

مقاله مروری

تغییرات آب‌وهوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست

علی مشهدی^۱، آزاده رستگار^۲

تاریخ دریافت: ۰۷.۰۶.۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۳۱.۰۲.۱۳۹۷

چکیده

در دهه‌های اخیر، پدیده تغییرات آب‌وهوایی، یکی از عوامل عمده نگرانی‌های جامعه جهانی بوده و در این راستا اقداماتی صورت گرفته است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات، تصویب کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی در ۹ می ۱۹۹۲ و در پی آن، پروتکل کیوتو در ۱۹۹۷ و همچنین، توافقنامه ۲۰۱۴ پاریس است. هدف و ایده اصلی از نگارش این مقاله، بررسی مصائب و مشکلات، در نتیجه تغییرات آب‌وهوایی و لزوم تأسیس یک دیوان بین‌المللی محیط‌زیستی است. سؤالی که مطرح است؛ با توجه به این که بسیاری از کنوانسیون‌ها و معاهدات محیط‌زیستی دارای نهاد الزام‌آور نیستند، در صورت بروز اختلاف میان طرف‌های کنوانسیون و همچنین، برای جلوگیری از تخریب هرچه بیشتر محیط‌زیست، یک دیوان بین‌المللی محیط‌زیستی تا چه اندازه می‌تواند مفید و کارآمد باشد؟ فرض مقاله بر این است که تأسیس این دیوان اختصاصی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری، می‌تواند برای رفع مسألت‌آمیز اختلافات در زمینه محیط‌زیست کمک‌کننده باشد. این مطالعه به روش کتابخانه‌ای و همچنین، با بررسی اسناد حقوقی محیط‌زیستی بین‌المللی؛ از جمله اسناد یونپ صورت گرفته است و در نهایت، به این نتیجه رسیده است که تأسیس دیوان بین‌المللی محیط‌زیست می‌تواند در آینده نقش مؤثری در حفظ محیط زیست ایفا نماید.

واژه‌های کلیدی: تغییرات آب‌وهوایی، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل محیط زیست، دیوان بین‌المللی محیط‌زیست

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم droitenviro@gmail.com

۲. نویسنده مسؤل، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه قم Rastegarazade8059@gmail.com

مقدمه

تغییرات آب‌وهوا، مشکل اصلی زیست-محیطی پیش روی بشریت است. این تغییرات علت بروز پدیده‌های شدید آب‌وهوایی، همانند: خشکسالی، سیل و امواج گرما و سرماست. پیامدهای آن، تشدید فرایندهای بیابان‌زایی و فرسایش؛ همچنین، تغییرات غیرقابل بازگشت در اکوسیستم است. تغییرات آب‌وهوا و تغییراتی که در نتیجه آن به وجود خواهد آمد، بر تمام جنبه‌های زندگی؛ از جمله: منابع آب و غذا، الگوها و مناطق نفوذ،^۱ همچنین راه‌های تولید و مصرف بشر تأثیر می‌گذارد. این مسأله بر اشتغال نیز تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین، اتحادیه‌های اصناف^۲ و کارگران، به‌منظور اطمینان از مشارکت بهتر در مذاکرات و اقدامات پیشنهادی که موجب تقویت مبارزه با تغییرات آب‌وهوا خواهد شد، باید نتایج این اختلالات را دریابند (UNEP, 2008:5, Godard, 1997:33-67).

«آب‌وهوا» به تجربه آب‌وهوا در یک دوره نسبتاً طولانی، به‌طور متوسط برای مدت ۳۰ سال اشاره دارد. این تجربیات عبارتند از: درجه حرارت، ملاک‌های باد و بارش، و آب و هوای زمین ایستا نیست و در پاسخ به علل طبیعی، بارها تغییر کرده است. واژه «تغییرات آب‌وهوا» به‌طور معمول به تغییراتی اشاره دارد که در اوائل قرن بیستم مشاهده شده است. این تغییرات در آب‌وهوای کره زمین به احتمال زیاد به دلیل ترکیبی از موارد طبیعی و انسانی است: موارد طبیعی: آب و هوای زمین به شکل طبیعی در نتیجه تأثیرات متقابل بین اقیانوس و اتمسفر، تغییرات در مدار زمین، نوسان انرژی دریافت شده از خورشید، و فوران‌های آتشفشانی، دگرگون می‌شود. دلایل انسانی: تأثیر اصلی انسان در آب و هوای

1. influence
2. Trade Unions

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۴۳

جهان به احتمال زیاد مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسیدکربن و متان است (UNEP,2008:7).

این تغییرات تهدید بزرگی برای زندگی و رفاه افراد و جوامع در سراسر جهان به-شمار می‌رود. این اثرهای مضر شامل حوادث ناگهانی است که شروع یک تهدید مستقیم بر زندگی و امنیت انسان را دربرخواهد داشت. همچنین، اشکال تدریجی از تخریب محیط زیست وجود دارد که دسترسی به آب تمیز، غذا و سایر منابع اساسی که زندگی بشر را تأمین می‌کند، تضعیف می‌نماید. به همین علت، تغییرات آب‌وهوا تأثیر عمیقی بر بهره‌مندی از حقوق انسانی برای میلیاردها انسان دارد (Dalmedico, 2006: 412). این تغییرات در حال حاضر موجب پیدایش خشکسالی، تخریب اکوسیستم و کمبود غذا در سراسر جهان است. برخی مناطق بیشتر از سایر مناطق ضربه خورده‌اند؛ برای مثال، افزایش سطح دریا بر ساکنان ساحلی و ایمنی و معیشت آنها تأثیر معکوس دارد، و افزایش درجه حرارت باعث تغییرات قابل توجهی در اکوسیستم قطب شمال که بسیاری از مردم بومی در آن منطقه زندگی می‌کنند، شده است (UNEP,2015:2).

تحولات آینده حقوق بین‌الملل، متأثر از انواع تهدیدهای زیست-محیطی و مسائل حقوقی و سیاسی مرتبط خواهد بود که در مجامع مختلف تجلی می‌یابند. در این میان، دو نگرانی عمده عبارت خواهد بود از: تأثیر بی‌وقفه تغییرات آب‌وهوایی بر محیط‌زیست جهان و نقش تبعی و گاه دارای همپوشانی آلودگی در تهدید سلامت بشر و محیط‌زیست. درحالی‌که تغییرات اقلیمی و آلودگی بر روی کشورها و مردمان اقصی نقاط جهان تأثیر می‌نهد؛ اما سایه سنگین این دو مقوله بر کشورهای حاشیه سواحل و اقیانوس‌ها، و مخصوصاً کشورهای جزیره‌ای کوچک درحال توسعه و جمعیت‌های آسیب‌پذیر آنها مشهودتر است. این کشورها بالا آمدن سطح آب دریاها ناشی از تغییرات اقلیمی را به

خوبی لمس نموده، یا آثار مخرب آن را در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۲: ۴۱).

شکل‌گیری کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی

موفقیت یا شکست موافقتنامه‌های زیست-محیطی چندجانبه در مورد تغییرات آب‌وهوایی، بر زندگی روزمره میلیاردها انسان از نسل‌های بعد در سراسر جهان تأثیر خواهد گذاشت. حقوق بین‌الملل محیط زیست، مجموعه‌ای از قوانین متشکل از معاهدات جهانی، کنوانسیون‌ها، مقررات و خط‌مشی‌هایی با هدف حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی از تأثیرات منفی فعالیت‌های انسانی است. از دهه ۱۹۷۰، حقوق بین‌الملل محیط زیست به-عنوان بدعت، یک سیستم قوانین، محدود به مسؤولیت دولت برای آسیب فرامرزی، تخصیص منابع و پرداختن به مطالبات رقابتی^۱ در مناطق فراتر از صلاحیت ملی؛ برای مثال، دریا‌های آزاد، توسعه یافت. در حال حاضر، تمرکز حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، «پیشگیرانه و احتیاطی»^۲ برای مدیریت خطر زیست - محیطی و حفاظت از آن در سطح جهانی است. در طول چند دهه گذشته، موافقتنامه‌های بین‌المللی الزام‌آوری در ارتباط با حفاظت از محیط زیست در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی، توسعه‌ای سریع و پویا داشته است (IBA, 2014: 62).

حقوق بین‌الملل محیط زیست در ۱۹۷۰ توسعه یافت و بر مؤسسات و حقوق محیط زیست داخلی کشورها تأثیرگذار بود. پیش‌نویس اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، هنگامی که هنوز الزام‌آور نشده بود، مبنایی برای حقوق محیط زیست نوین شد (UNEP, 2016: 1). در سال‌های دهه ۱۹۸۰، شواهد علمی نشان داد که انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از

1. Competing demands

2. توضیحات بیشتر در مبحث تغییرات آب و هوا، حقوق بشر و عدالت اجتماعی.

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۴۵

فعالیت‌های انسانی، خطرهایی برای آب و هوای جهان ایجاد می‌کند و به این ترتیب، افکار عمومی لزوم ایجاد کنفرانس‌های بین‌المللی دوره‌ای و تشکیل پیمان‌نامه‌ای برای حل این مسأله را احساس کرد. دولت‌ها برای انعکاس افکار عمومی، یک‌سری کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار کردند و برای بررسی این مسأله خواستار تنظیم قراردادی بین‌المللی شدند. در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته مذاکرات بین‌الدول^۱ را برای تدوین کنوانسیون تغییر آب‌وهوا^۲ تشکیل داد.

کمیته مذاکرات، پیش‌نویس کنوانسیون را تهیه کرد و این پیش‌نویس در تاریخ ۹ می ۱۹۹۲ در مقر سازمان ملل در نیویورک به تصویب رسید. این کنوانسیون در اجلاس زمین، در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودو ژانیرو (برزیل)، برای امضای اعضا آماده شد. این کنوانسیون در طول جلسه ریو توسط سران کشورها و مقامات ارشد ۱۵۴ کشور دنیا امضا و از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۹۴ لازم الاجرا شناخته شد. ایران نیز در سال ۱۹۹۶ پس از تصویب هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی به عضویت این کنوانسیون در آمد (Aykut, 2015; Bennani et al, 2001: 101). تاریخ ۲۶ آگوست ۲۰۰۹ این معاهده به تصویب ۱۹۳ طرف رسیده است. اصول مبنایی کنوانسیون عبارتند از: الف- مسؤولیت بین نسلی و میان نسلی طرف‌ها؛ بدین معنی که طرف‌ها متعهدند تا در تحقق اهداف تعیین شده توسط کنوانسیون «مطابق با مسؤولیت‌ها و ظرفیت‌های مشترک اما متفاوت خود» بکوشند؛ ب- توجه ویژه به کشورهای در حال توسعه «که به‌طور خاص در برابر آثار زیانبار تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیرند»؛ ج- تمهیدات احتیاطی؛ د- ارتقای توسعه پایدار با سیاست‌ها و تمهیداتی که در برنامه‌های توسعه ملی لحاظ شوند؛ ه- همکاری میان اعضا به‌منظور ایجاد یک نظام اقتصادی بین‌المللی باز و مشوق که به رشد و توسعه اقتصادی پایدار همه اعضا (به-

1. Intergovernmental Negotiating Committee (INC)

2. United Nation Framework Convention On Climate Change (UNFCCC)

خصوص کشورهای عضو در حال توسعه) منجر شود. این‌ها اصولی هستند که باید سرلوحه کوشش‌ها برای تحقق اهداف اصلی کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی قرار بگیرند، که عبارتند از: «تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو؛ در سطحی که مانع از تداخل فعالیت‌های انسانی خطرناک با سیستم آب و هوایی گردد.» (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۸۷)

این کنوانسیون در ۲۶ ماده، به زبان‌های انگلیسی، عربی، چینی، فرانسه، روسی و اسپانیولی توسط دبیرخانه سازمان ملل متحد تهیه و تدوین شده است (climate-change, 1396). اتحادیه اروپا در همین زمینه تنها پیشرو برنامه عملیاتی جهانی در تغییرات آب‌وهوایی است. اتحادیه و همه کشورهای عضو آن، به کنوانسیون تغییر آب‌وهوا و پروتکل کیوتو پیوسته‌اند. این اتحادیه همچنین، از امضاکنندگان کنوانسیون وین برای محافظت لایه ازن است و مقررات EC NO 2037/2000 را با اصلاحیه‌ای برای منع واردی که موجب سوراخ شدن لایه ازن می‌شود، اجرا کرده است. این اتحادیه نقش مهمی در توسعه کاهش میزان انتشار آلودگی مندرج در پروتکل کیوتو دارد و در دسامبر ۲۰۰۹، برای امضای یک موافقت‌نامه جدید در مورد آب‌وهوا در کپنهاگ تلاش کرد (environmentlaw, 2017).

پروتکل کیوتو، نخستین موافقت‌نامه اجرایی برای کنوانسیون تغییرات آب و هوایی است، که در دسامبر ۱۹۹۷ در کیوتو ژاپن به امضا رسید و در فوریه ۲۰۰۵ اجرایی شد. تا ۲۶ آگوست ۲۰۰۹، پروتکل کیوتو به تصویب ۱۸۸ عضو کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و جامعه اروپایی، و از جمله ۳۶ کشور صنعتی، به استثنای آمریکا رسید. پروتکل کیوتو درصدهای کاهش انتشار جمعی گازهای گلخانه‌ای کشورهای صنعتی تا سال ۲۰۱۲ را مشخص نموده است. پروتکل مکانیسم‌های خلاقانه‌ای را که برای تحقق هدف کاهش انتشار مفید هستند معرفی می‌نماید، موسوم به «مکانیسم‌های انعطاف‌پذیر»، که عبارتند از: الف- تجارت انتشار یا کنترل و تجارت؛ ب- اجرای مشترک؛ ج- مکانیسم توسعه پاک؛

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط/ ۱۴۷

سازوکار خاصی که برای پروژه‌های کشورهای در حال توسعه طراحی شده است. به‌منظور اجرایی شدن این مکانیسم‌ها، پروتکل کیوتو مبادرت به ایجاد واحدهای انتشار یا اعتبارات کربن نمود، که بازارهای کربن جهان را پررونق ساخته و می‌تواند به‌عنوان بزرگ‌ترین کالا در سطح جهان معرفی شود (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۸۸).

تعهدات دولت‌ها و فعالان بخش خصوصی برای پاسخ به مفاهیم حقوق بشری تغییرات آب‌وهوا

نظام بین‌المللی حقوق بشر، شامل تعدادی معاهدات حقوق بشری اصلی، همراه با اسناد معاهدات منطقه‌ای است که با توسعه حقوق بین‌الملل عرفی حمایت می‌شود. با توجه به پیشرفت درخورتوجهی که در زمینه قوانین حقوق بشر در سال‌های اخیر رخ داده است، به تازگی راهی برای افراد/گروه‌ها برای جبران خسارات ناشی از آسیب‌های تغییرات آب‌وهوا پیشنهاد شده است تا به لحاظ کاربردی و در مقایسه با افراد یا جوامعی که آسیب زیست - محیطی خاصی را متحمل شده‌اند، یک حقوق حفاظتی ایجاد نماید. بنابراین، اگرچه نمی‌تواند موجب کاهش یا پیش‌گیری از تغییرات آب‌وهوایی شود؛ اما می‌تواند عنصر کلیدی عدالت در تغییرات آب‌وهوایی باشد (Humphreys, 2010 IBA, 2014:66).

در عین حالی که ارتباط میان تغییرات آب‌وهوا و حقوق بشر روشن است، تنها در دهه گذشته بود که اعضای حقوق بشر سازمان ملل متحد و دولت‌های ملی^۱ درخصوص این موضوع ایجاد اجماع را آغاز کردند و تاکنون، به این توافق جمعی رسیده‌اند که تغییرات آب‌وهوا بر تمام جنبه‌های برخورداری کامل از حقوق بشر دخالت دارد (see Knox, 2009, 477, Caney, 2008, 536 Aminzadeh, 2006, 231) مورد ماهیت تعهدات دولت‌ها و بخش خصوصی در زمینه رسیدگی به تأثیر تغییرات آب

1. National Governments

وهوا بر حقوق بشر وجود دارد؛ با این حال، اصول خوب و کاربردی و قابل اجرا در این زمینه در حال ظهور است. تعهداتی که در این مبحث از آنها گفته می‌شود، مواردی هستند که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، از آنها گفته شده و هسته اصلی قوانین بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند. تعهدات دولت‌ها طبق کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا و سایر موافقتنامه‌ها؛ همچنین، در ارتباط با موارد اصلی تعهدات معاهده مورد بحث هستند. شایان ذکر است که تعهدات قانونی کشور، ممکن است بنابر معاهداتی که تصویب کرده‌اند، متفاوت باشد (UNEP, 2015:11).

تعهدات پیش‌رو برای به‌رسمیت شناختن ارتباط میان محیط زیست و تغییرات آب‌وهوا با حقوق بشر

معاهدات اصلی حقوق بشری، یک حق مستقل برای داشتن محیط زیست سالم و پاک را به‌رسمیت نمی‌شناسند. با این حال، به‌طور کلی همه مستحضر هستند که وضعیت نامناسب محیط زیست می‌تواند بر برخورداری از بسیاری حقوق؛ از جمله حق بر زندگی، سلامتی، آب و غذا اثرگذار باشد. برخی معاهدات حقوق بشری سازمان ملل، به روشنی این ارتباط را تعریف می‌کنند؛ برای مثال، میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، کشورها را به اتخاذ اقداماتی که ممکن است برای «بهبود تمام جنبه‌های بهداشت صنعتی و محیط زیست» لازم باشد، به‌منظور درک کامل حق بر بهداشت سوق می‌دهد. کنوانسیون حقوق کودک، کشورها را به درنظر گرفتن «خطرهای آلودگی محیط‌زیست» برای تضمین اجرای کامل حق بر سلامتی برای کودکان معطوف می‌کند.

به‌علاوه، اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، «حق اساسی برای آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی، در محیطی که کیفیت آن یک زندگی با منزلت و مرفه را اجازه می‌دهد» به‌رسمیت شناخته است. علی‌رغم این‌که، این بیانیه به ظاهر حق داشتن یک محیط زیست مناسب را

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۴۹

به رسمیت شناخته است؛ اما فاقد نیروی الزام‌آور است. با این حال، همان‌طور که توسط دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر اشاره شده، این اعلامیه منعکس‌کننده «به رسمیت شناختن وابستگی و روابط متقابل حقوق بشر و محیط زیست» است. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به نتایجی رسید که توسط کارشناسان مستقل حقوق بشر سازمان ملل و گزارش نقشه‌برداری ۲۰۱۳ حمایت می‌شود. آنها به این نتیجه رسیدند که قوانین حقوق بشر شامل تعهدات مربوط به محیط زیست است که شامل هر دو رویه تعهدات و تعهدات اساسی است. در نهایت، حق داشتن محیط زیست پاک نیز صراحتاً در قوانین اساسی داخلی کشورها و یا بسیاری از موافقتنامه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و یا تفسیر آنها گنجانده شده است (UNEP, 2015:12).

تغییرات آب و هوایی، در حال حاضر مانع از تحقق طیف وسیعی از حقوق بشر که از جانب جامعه بین‌المللی حمایت شده؛ از جمله: حق بر آب، غذا، سلامتی و مالکیت، و حقوق مرتبط با معاش، فرهنگ، مهاجرت، اسکان مجدد و امنیت شخصی در هنگام مخاصمات شده است. منابع الزام‌آور اصلی حقوق بشر - همان‌طور که ذکر شد - عبارتند از: حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که هر دو الهام گرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ هستند. همچنین، موافقتنامه‌های الزام‌آور منطقه‌ای حامی حقوق بشر در اروپا، آمریکا و آفریقا وجود دارند. این اسناد بین‌المللی عمدتاً از آسیب‌های «قدیمی» به حقوق بشر سخن گفته‌اند؛ نه از آسیب‌های جدید و اضافی تغییرات آب و هوایی در آینده (Sinden, 2007:255, Wolfgang, 2008: 323)

در راستای پر نمودن این خلأ، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل گزارشی را منتشر نمود که به تصویب دهمین اجلاس ویژه شورای حقوق بشر رسید. گزارش مزبور، حامی رویکرد مبتنی بر حقوق بشر در مقابله با تغییرات آب و هوایی و راهبردهایی بود که اشخاص و گروه‌ها را به جای قربانیان منفعل، به‌عنوان عناصر فعال

تغییر، توانمند سازد. اصل ۱۰ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ بیان می‌کند: مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطح ملی، هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عمومی است، از جمله به اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرآفرین موجود در جوامع خویش دسترسی داشته و امکان شرکت در فرایند تصمیم‌گیری را داشته باشد.

دولت‌ها، از طریق اشاعه‌عام اطلاعات مربوط به محیط زیست، باید برای ترویج و افزایش آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند. دسترسی مؤثر به مذاکرات اداری و قضایی؛ از جمله تصمیمات اصلاحی گرفته شده، باید تأمین گردد (unep, 2017).^۱ به علاوه، در این گزارش تأثیر تغییرات آب‌وهوایی بر روی کسانی که به علت فقر، جنسیت، سن، معلولیت و اقلیت بودن در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند، برجسته شده است. شورای حقوق بشر، در همان اجلاس قطعنامه‌ای در زمینه حقوق بشر و تغییرات آب‌وهوایی، با تأکید ویژه بر حق مسکن و استاندارد مناسب زندگی برای جمعیت‌های فقیر مورد تهدید، به تصویب رساند (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۱۴-۲۱۵).

در مارس ۲۰۰۸، شورای حقوق بشر به اتفاق آراء^۱ قطعنامه ۷/۲۳ را در مورد حقوق بشر و تغییرات آب‌وهوا به تصویب رساند که بیان می‌دارد: این تغییرات تهدیدی بدیهی^۲ و گسترده علیه مردم و جوامع در سراسر جهان و دارای پیامدهای همه‌جانبه بر حقوق بشر است. این شورا قطعنامه (۱۰/۴) دیگری را در مارس ۲۰۰۹ پذیرفت که خاطرنشان می‌سازد، تغییرات اقلیمی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق بشر دارد و افراد و جوامع آسیب‌پذیر که بیش‌ترین تأثیرپذیری را دارند، معرفی^۳ می‌کند (CIEL, 2015:4). پروتکل

1. consensus
2. immediate
3. recognize

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۵۱

کیوتو در ۱۹۹۷ پذیرفته و در ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد. این پروتکل الحاقی به کنوانسیون تغییر آب‌وهوا کاهش تولید آلاینده‌ها و محدودیت تعهدات کشورهای صنعتی را تحمیل می‌کند (CIEL, 2015:7, Sandrine, 2005:433). در دسامبر ۲۰۱۰، اعضای کنوانسیون تغییر آب‌وهوا و پروتکل کیوتو، مجموعه‌ای از تصمیمات جمعی را با عنوان «موافقت‌نامه کانکون» به تصویب رساندند، که شامل ارجاعات متعدد به حقوق بشر است (CIEL, 2015:8).

تغییرات آب و هوا، حقوق بشر و عدالت اجتماعی

راهکارهای رویارویی با تغییرات آب‌وهوایی به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شوند: ۱- کاهش (پیشگیری اولیه)، که شامل اقداماتی برای ایجاد ثبات و یا کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای است؛ ۲- سازگاری^۱ (پیشگیری ثانویه)، که شامل اقداماتی برای کاهش تأثیر تغییرات آب‌وهوایی بر بهداشت عمومی است. کمیسیون ۲۰۱۵ لانسِت در مورد بهداشت و تغییرات آب‌وهوایی واکنش‌های لازم را درخصوص تأثیر این تغییرات «برای اطمینان حاصل کردن از دسترسی پیدا کردن به بالاترین استانداردهای سلامت برای مردم سراسر جهان» به رسمیت شناخت. از آنجا که تغییرات آب‌وهوایی تأثیر نامطلوبی بر حقوق بشر می‌گذارد، این حقوق باید در طراحی و پیاده‌سازی هر دو اقدام کاهش و سازگاری که در بالا گفته شد، در نظر گرفته شود.

سازمان‌های بین‌المللی و دولت در سطح ملی، ایالت^۲ / استان^۳ و سطوح محلی باید اطمینان حاصل نمایند که در مراحل تدوین و اجرای اقدامات کاهش و سازگاری گفته

1. adaption
2. state
3. provincial

شده، حقوق بشر را در نظر گرفته‌اند. سازمان‌های بشردوستانه و غیردولتی باید دولت‌ها را نسبت به حفظ و ارتقای حقوق بشر پاسخگو نگه دارند (Levy et al, 2016: 316).

در این میان، زنان و کودکان نسبت به تغییرات آب‌وهوا آسیب‌پذیرترند. در مناطق فقیر جهان، اغلب زنان مسئولیت اولیه تهیه مواد غذایی اصلی، تهیه آب و سوخت برای اعضای فامیل را به‌عهده دارند. کمبود غذا و آب موجب سوء تغذیه کودکان و همین‌طور اختلال آموزش کودکان در مدارس می‌شود (CIEL, 2015: 2-3).

کوشش‌ها برای استفاده از حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق منطقه‌ای و داخلی برای دستیابی به عدالت تغییرات آب‌وهوایی بسیار متنوع و گسترده^۱ است؛ برای مثال، در سطح داخلی تعداد فزاینده‌ای از کشورها طرح تجارت انتشار را در سیاست‌های داخلی آب‌وهوایی یکپارچه کردند، و تمهیدات منطقه‌ای برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوا تأسیس کردند. قابل توجه‌ترین این عوامل سیاست اتحادیه اروپا^۲ ۲۰۰۲-۲۰۰۳-۲۰۰۴ است (IBA, 2014: 62).

حقوق بین‌الملل و تضمین امنیت بین‌المللی

استمرار حیات همه کشورهای صنعتی، مشروط به دسترسی به منابع تجدیدشدنی و تجدیدنشدنی است و در این شرایط، امنیت با مسایل و موضوع‌های ژئوپلیتیک ارتباط مستقیم می‌یابد؛ زیرا فعالیت صنعتی در تجارت جهانی برای این گونه از کشورها تا اندازه زیادی در گرو دسترسی به مواد خام کشورهای در حال توسعه است؛ اما از سوی دیگر، امنیت اقتصادی با امنیت نظامی ارتباط دارد، زیرا ساختارهای پیچیده کشورهای صنعتی در

1. Far reaching

۲. اجرای سیاست کاهش ۲۰ درصد گازهای گلخانه‌ای، تأمین ۲۰ درصد از انرژی‌های مصرفی اروپا از انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش ۲۰ درصد از مصرف انرژی اروپا از طریق صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری انرژی تا سال ۲۰۲۰ است که از آن به‌عنوان سیاست ۲۰-۲۰-۲۰ یاد می‌شود.

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۵۳

برابر حمله‌های محدود به آسانی ضربه‌پذیر است؛ برای نمونه، به آسیب‌پذیری نیروگاه‌های اتمی می‌توان اشاره کرد. این خطرها باعث از میان رفتن نیرو و بروز آثار تخریبی زیست-محیطی خواهند شد. در مورد منابع تجدیدشونده؛ به‌ویژه محصولات کشاورزی نیز امنیت اقتصادی در گرو امنیت عرضه کالا است. امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، امنیت غذایی با توجه به افزایش جمعیت و منابع محدود کشاورزی، اهمیت بسیار یافته است و این موضوع، رابطه تنگاتنگ امور زیست-محیطی و امور اقتصادی را نشان می‌دهد. تداوم منابع تجدیدناشدنی نیازمند آن است که پایه زیست-محیطی آن پایدار باقی بماند. مباحث توسعه نیز در اینجا اهمیت بسیار دارد؛ زیرا بسیاری از گونه‌های توسعه ممکن است آثار مخرب زیست-محیطی داشته باشد. پس امنیت اقتصادی با موقعیت زیست-بومی و زیست-محیطی جهان نیز ارتباط دارد. تخریب محیط زیست بر جلوه‌های گوناگون زندگی تاثیر منفی داشته است. گذشته از آن، فراگیری تهدیدهای زیست-محیطی به‌اندازه‌ای است که فرموله کردن امنیت زیست-محیطی، مانند دیگر اشکال امنیت، کاری بس دشوار است. تأثیر گازهای گلخانه‌ای و تغییر شرایط آب‌وهوایی، بالا آمدن سطح آب دریاها و از بین رفتن لایه ازن، همه کشورها و همه انسان‌ها را تهدید کرده است؛ در حالی که بسیاری از خطرهای به کمین نشسته را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. ته‌نشین شدن مواد اسیدی و آلودگی‌های سمی، امروزه زندگی بشر را در سطح منطقه‌ای و جهانی تهدید می‌کند.

تهدید زیست-محیطی، مرز سیاسی نمی‌شناسد. در بسیاری از موارد، رویارویی با آنها نیازمند راه‌حل‌های فرامرزی است و در موارد دیگر که تهدید ریشه‌های بومی و منطقه‌ای دارد، باید با امکانات و ابتکارهای محلی به مقابله با آن برخاست. همکاری بین‌المللی نیاز اساسی جهانی؛ به‌ویژه برای حل مسایل زیست-محیطی است. بسیاری از خطرها را خود انسان پدید آورده است؛ هرچند این خطرآفرینی در بیشتر موارد عمدی

نبوده است. این‌ها تهدیدهایی غیرمستقیم و نیز نتیجه جامعه‌ای است که اقتصاد سیاسی جهانی به وجود آورده است. فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی غیرهدفمند و مصرف‌گرایی حاکم، به شیوه‌های گوناگون رفاه بشری را از راه سلطه بر سطوح گوناگون طبیعت هدف قرار داده است؛ اما این‌ها خود گونه‌های دیگری از ناامنی را به وجود آورده است؛ هرچند قرار بوده برای جامعه بشری امنیت به ارمغان آورد (پورخاقان شاهرزایی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۴۸).

حوادث طبیعی و کوچ اجباری، به‌همراه بیماری‌های مسری، و کمبود آب و غذا می‌تواند به سقوط دولت‌های ضعیف و ناتوان منجر شده و ملاحظات جدیدی در حوزه امنیت ملی به‌بار آورد. تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند باعث چند برابر شدن بی‌ثباتی ملی شود؛ درحالی‌که شدت این تهدیدها برای امنیت ملی به تعداد درجات افزایش دما و پیامدهای آن بستگی دارد؛ به نحوی که با افزایش دما معضلات بیشتری برای امنیت ملی ایجاد خواهد شد. پیش‌بینی‌های فعلی افزایش دمای جهانی می‌تواند به مخاصمات مسلحانه میان کشورها منجر شود؛ دست‌کم تا زمانی که تمهیدات مناسبی برای تطبیق در نظر گرفته نشود (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۱۲). در کوتاه‌مدت، تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند تهدیدکننده ثبات داخلی بعضی از کشورها بوده، به‌طور بالقوه به مخاصمات بین کشورها و به (احتمال کمتر) درون کشورها بر سر منابع کمیاب آب دامن بزند. نمونه بارز آن دارفور سودان است که بر اساس تحلیل محیط زیست و مخاصمه برنامه محیط زیست ملل تغییرات اقلیمی منطقه‌ای، کمیاب شدن آب و صدمه مداوم به زمین‌های حاصلخیز، عوامل بنیادین مخاصمه در دارفور به شمار می‌آیند (همان: ۲۱۳).

لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست

یک دیوان بین‌المللی محیط زیست چگونه می‌تواند اجبار و صلاحیت جهانی را توجیه کند؟

پاسخ آن بر دو پایه نظری ارتباطات علمی فوق‌العاده استوار شده است: اول، حفاظت از محیط زیست باید به‌عنوان نگرانی مشترک بشریت در نظر گرفته شود؛ دوم، این مسأله در ماهیت آن ناشی از نگرانی مشترک بشریت به‌عنوان نگرانی مشترک بشریت به‌عنوان قاعده آمره^۱ است؛ به این ترتیب یک تعهد عام‌الشمول^۲ در پذیرش و اجرا پدید آمد (Lehmen^{2015:204}). دیوان بین‌المللی محیط زیست نمی‌تواند دیوان اختصاصی^۳ باشد؛ بلکه می‌تواند دیوان دائمی با سطح بالایی از تخصص فنی باشد (Lehmen^{2015:2}10).

دیوان بین‌المللی دادگستری تنها دادگاه بین‌المللی، با صلاحیت جهانی و با ملاحظات زیست-محیطی است. علی‌رغم تأسیس یک شعبه ویژه برای رسیدگی به مسائل محیط زیست در سال ۱۹۹۳، از سال ۱۹۴۵ تنها دوازده مورد به دیوان ارسال شده است. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان از کانال کورفو، گابچیکو و ناگیماروس، آزمایش‌های هسته‌ای I و II، بارسلونا تراکشن نام برد (ibid¹⁸⁸). مهم‌ترین پیشرفتی که به‌وسیله حقوق بین‌الملل محیط زیست در دهه‌های اخیر به دست آمده- ارتباط میان حفاظت بین‌المللی محیط زیست و نیاز به طبقه‌بندی نهادی جدید- ایجاد یک دیوان بین‌المللی را که انحصاراً به موضوع محیط زیست بپردازد، توجیه می‌کند (ibid²10). سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی^۴ بسیار فعال و با توسعه حقوق بین‌الملل در ارتباط است. این سیستم به-عنوان مدلی برای حل اختلاف بین‌المللی محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفته است.^۵ با این حال، برای همه مشکلات مربوط به حوزه حقوق محیط زیست کاربرد ندارد (ibid¹⁹⁰). دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها نیز، ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند مورد توجه دیوان بین‌المللی محیط زیست قرار گیرد. بخش XV کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل،

1. Jus cogens
2. Erga omnes
3. Ad hoc
4. World Trade Organization
5. Singled out

سیستم جامع و فراگیری برای حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر کنوانسیون ایجاد کرده است. این سیستم از کشورهای عضو درخواست کرده برای حل اختلافات از روش ذکر شده در منشور سازمان ملل استفاده کند و اگر نتوانستند به یک توافق دست یابند، باید به یک سیستم حل اختلاف گردن نهند و مطابق آن تصمیم عمل نمایند (ibid:201).

در دهه ۱۹۷۰ تعداد انگشت‌شماری دادگاه تخصصی محیط زیست عمدتاً در اروپا وجود داشت. در سال ۲۰۰۹، زمانی که نخستین مطالعه جهانی در مورد دیوان‌ها و دادگاه‌های محیط زیستی^۱ انجام گرفت، ۳۵۰ دادگاه می‌تواند به ثبت برسد. در حال حاضر، پس از گذشت تنها ۷ سال (طبق گزارش سال ۲۰۱۶) بیش از ۱۲۰۰ دادگاه در حداقل ۴۴ کشور، در سطوح ملی یا ایالتی/استانی؛ از جمله واحدهای محلی (منطقه‌ای)/شهری که بخشی از سیستم دیوان محیط زیست ملی یا ایالتی/استانی هستند، ایجاد شده‌اند (UNEP, 2016:1). دادگاه‌ها و قانون‌گذاران چندملیتی، همچون اتحادیه اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، بر اجرای قوانین محیط زیستی و دسترسی به عدالت زیست-محیطی در کشورهای عضو تأثیر دارند. اقدامات اجرایی اتحادیه اروپا^۲ و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^۳؛ به‌ویژه با توجه به کاربرد اصول کنوانسیون آرهاس^۴، دسترسی به

1. Environmental Courts and Tribunals

2. European Union

3. Court of Justice of the European Union

۴. کنوانسیون آرهاس از دول عضو می‌خواهد که به درخواست‌های هریک از اعضای گروه‌های عمومی پاسخ گفته، بدون هیچ‌گونه تأخیری هرگونه منفعت خاص در این زمینه را بیان داشته و اطلاعات زیست-را که توسط مقامات عمومی مقرر شده، در دسترس قرار دهد؛ مشروط بر اینکه موارد استثنایی که ممکن است در زمینه منفعت عمومی به آن استناد شود، محدود باشند. همچنین، طرفین باید درجهت جمع‌آوری و انتشار گستره نابی از اطلاعات در مورد وضعیت محیط زیست و فعالیت‌ها و اقداماتی که ممکن است به‌نوعی محیط زیست را تحت تأثیر قرار دهد، گام‌هایی را بردارند. مقررات مربوط به مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌سازی‌های زیست-محیطی از دول عضو می‌خواهد آیین‌هایی را به اجرا بگذارند تا عموم افراد را قادر سازد این اطلاعات را به‌دست آورده، بر منافع خود پافشاری کند (http://mashadiali.blogfa.com/post-69.aspx). برای اطلاعات بیشتر رک:

(http://ec.europa.eu/environment/aarhus)

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط/ ۱۵۷

عدالت در سوئد، انگلستان و ایرلند نسبت به سایر کشورهای اتحادیه اروپا پیشرفت بیشتری داشته است (ibid:5).

اقدامات الزام‌آور قضایی در حوزه معاهدات محیط زیستی نسبت به سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل همچون حفاظت از سرمایه‌گذاری، کمتر معمول است. با این حال، شمار اختلافات مطرح شده در دادگاه‌های بین‌المللی در زمینه محیط زیست؛ چه از نظر قوانین داخلی، چه معاهدات محیط زیستی و یا معاهدات اقتصادی، رو به افزایش است. تعیین مصادیق اختلافات محیط زیستی با چالش‌های متعددی روبه‌روست. نخستین مورد اینکه تعریف مشخصی از اختلافات محیط زیستی وجود ندارد؛ دوم اینکه غیرمعمول است که در یک اختلاف حقیقی^۱ یا حقوقی به‌طور انحصاری به محیط زیست پرداخت. سوم «حقوق بین‌الملل محیط زیست» یک سیستم جامع و مستقل نیست و زبان معاهدات آن اغلب به جای قانونی معنادار، مبهم است (Bruce^{2016:65}).

دو تعهد بین‌المللی بسیار مهم در سال ۲۰۱۵ که موجب اختلافات زیست-محیطی می‌شود، نیاز به اختصاص نوعی تخصص دیوان‌ها و دادگاه‌های محیط زیستی را فراهم می‌کند: دستورکار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار و موافقت‌نامه تغییرات آب‌وهوایی پاریس ۲۰۱۶. برخی از مسائل تغییرات آب‌وهوا و اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ راه خود را در دادگاه‌ها؛ از جمله دیوان‌ها و دادگاه‌های محیط زیستی پیدا کردند، و نیاز به بررسی تخصصی این مسائل برای تشویق به ایجاد و بهبود این دادگاه‌ها انتظار می‌رود (UNEP, 2016:5). تغییرات آب‌وهوایی حتی پیش از توافق‌نامه ۲۰۱۶ پاریس، موجب دعاوی و تصمیمات قضایی بسیاری بوده است (ibid:6). وینسون اندرسون، قاضی دیوان دادگستری کارائیب خاطر نشان می‌کند: بدون هماهنگی و یکپارچگی محیط زیستی، هرگونه اشاره به حقوق بشر تا حدود زیادی توهم است (ibid:6). هیچ دادگاه بین‌المللی که یک

1. factual

شعبه اختصاصی برای محیط زیست با قضات حرفه‌ای در حوزه علوم محیط زیست داشته باشد که به وسیله مشاوران علمی مستقل پشتیبانی شوند، وجود ندارد (SDG, 2012, 2011:6). دادگاه‌های بین‌المللی به شفاف‌سازی معانی و اثر هنجارهای معاهده، برای شناسایی وجود هنجارهای عرفی کاربرد عمومی، و ایجاد نقش مرکزی بیشتر برای ملاحظات زیست-محیطی در نظام حقوقی بین‌المللی اقدام کردند (Sands^{2008:2}).

نخستین ویژگی اصلی حوزه محیط زیست، این است که دیوان و دادگاه‌های بین‌المللی با یک ویژگی و نه منحصر به فرد، مواجه هستند: توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست که گاهی مواقع در معاهدات بین‌المللی شامل میزان بالایی از سازگاری است. به بیان دیگر، نهاد قانون‌گذار^۱ قضاوت بین‌المللی^۲ را با مجموعه‌ای از قوانین و اصول که می‌تواند تا حدودی هم مبهم باشند، ارائه کردند. به اصطلاح، برای تفسیر قواعد مبهم، یک دیوان بین‌المللی زمانی که درخواست می‌گردد قانون در موارد پرونده‌های ویژه اعمال شود، با یک مشکل واقعی مواجه می‌شود (Sands^{2008:3}).

دومین ویژگی مسائل محیط زیستی، این است که همواره در صدر دعاوی علمی هستند. یک دادگاه اغلب برای رسیدگی به دو دیدگاه کاملاً متفاوت تشکیل می‌شود: بخش عظیمی مربوط به استدلال‌های علمی است (هزاران صفحه در قضیه گابچیکوو ناگیموروس) که ممکن است به نحوی به همان اندازه قانع کننده ارائه شود. برخلاف بسیاری از سیستم‌های ملی که برای ارزیابی‌های علمی یا محیط زیستی برای پیوستن به پانل‌ها ارائه می‌کند و همکاری برای رمزگشایی اطلاعات فنی، زمانی که قاضی بین‌المللی برای صلاحیت ادعای علمی مرتبط در موقعیت تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، وضعیت

1. The legislative body
2. International judiciary

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۵۹

دشواری است. این مشکل منحصر به محیط زیست نیست؛ اما نیازمند رویکرد تخصصی است.

سومین ویژگی متمایز حقوق محیط زیست - یک ویژگی قانونی و نه یک واقعیت - این است که دعاوی محیط زیست تاکنون به ندرت، جدا از سایر مباحثات^۱ حقوقی بین‌المللی مطرح شده است. به بیان دیگر، مباحث حقوق محیط زیست، تقریباً همیشه شامل مباحثی در مورد سایر حوزه‌های حقوقی است. این حوزه‌ها شامل توافقات تجاری در حوزه سازمان تجارت جهانی، هنجارهای حقوق بشر پیش از دادگاه‌های حقوق بشر، مسائل مربوط به حقوق بین‌الملل عمومی، همچون روابط میان معاهده و عرف، یا حقوق محیط زیست و حقوق مسئولیت دولت‌هاست. این ترکیب قویاً اظهار می‌دارد که یک دادگاه بین‌المللی متشکل از متخصصان حقوق بین‌الملل محیط زیست، ممکن است در جذب پرونده‌ها به خوبی عمل نکنند. بنابراین، آنچه مورد نیاز است، قضاتی با ترکیب تخصصی و عمومی هستند. این موضوع توضیح می‌دهد که چرا تاکنون پرونده‌ای در شعبه محیط زیست دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه نشده است.

چهارمین ویژگی متمایز، مربوط به مسائل مطرح شده قبل از سازمان‌های جهانی نسبت به نهادهای منطقه‌ای، این است که جامعه بین‌المللی هنوز درک نکرده است که اهداف زیست-محیطی در سلسله مراتب سیاسی و حقوقی وجود دارد. تفاوت‌های قابل فهم میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، برای تعیین اولویت‌ها وجود دارد، و به نظر می‌رسد آن تفاوت‌ها به تعیین معیارها هم تعمیم داده می‌شوند.

عامل پنجم قابل ذکر عبارت است از: کشورهایی که در مورد ارجاع منازعات محیط زیستی بین‌المللی به قضاوت بین‌المللی دچار تردید هستند. تا آنجا که دولت‌ها خواستار

1. arguents

مکانیسم قضاوت بین‌المللی هستند، به نظر نمی‌رسد آنها خواهان رویه‌های متضاد و متناقض موضوع‌های محیط زیستی باشند (Sands^{2008:4}).

توسل به دادگاه‌ها و مراجع قضایی

چه چیزی محیط زیست جهانی را ایجاد می‌کند؟ جیمز گوستاو اسپت^۱ و پیتر م. هاس^۲ در این زمینه چهار موقعیت شناسایی کرده‌اند: استفاده نادرست از منابع مشترک، آلودگی فرامرزی، فعالیت‌هایی که مناطق وسیعی از کشورهای متعدد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موارد منطقه‌ای که مسائل زیادی را دربرمی‌گیرد (به علت اینکه همه آنها با هم در کشورهای متعدد اتفاق می‌افتند، یا به این علت که منافع عمومی در رسیدگی به آنهاست). یک سیستم حل اختلاف مؤثر باید ماهیت بسیاری از حقوق را برای حفظ هدف در نظر بگیرد. درحوزه حفاظت از محیط زیست بین‌الملل، دو نوع موقعیت متداول وجود دارد: نخستین مورد، آسیب‌های فرامرزی است؛ همچون مواردی که اختلافات مشخص شده بین دو دولت توسط دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی می‌شود. دوم، نقض تعهدات عام‌الشمول زیست-محیطی به‌عنوان آسیب‌های انتشار یافته در نتیجه تغییرات آب‌وهوایی است که باعث خساراتی می‌شوند؛ هرچند ممکن است خسارات آنی برای کشور یا اشخاص غیردولتی در پی نداشته باشد (Lehmen^{2015:187}).

طرح دعوی قضایی درخصوص تغییرات آب‌وهوایی به دلیل طیف گسترده منتشرکنندگان گازهای گلخانه‌ای و رویه در بیشتر نظام‌های حقوقی، امری دشوار است. با این همه، کوشش‌هایی صورت پذیرفته است. فایده این نوع رویکرد، بیشتر در جلب توجه به مسأله است تا کشاندن پای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای به دادگاه. شاید پرونده‌های مطروحه نزد کمیسیون حقوق بشر از شانس موفقیت بیشتری برخوردار باشند؛ زیرا ارتباط

1. James Gustave Speth
2. Peter M. Haas

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۶۱

میان تغییرات آب و هوایی و حقوق بشر مورد تصدیق قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۷ اعلامیه موسوم به ماله^۱ در مورد ابعاد انسانی تغییرات آب و هوایی بود. در این موافقت‌نامه صراحتاً تأکید شده است که تغییرات آب و هوایی تبعات مشخص و مستقیمی برای بهره‌مندی کامل از حقوق بشر در پی دارد. متعاقباً، و در پی فشار مالدیو و سایر دولت‌ها، شورای حقوق بشر سازمان ملل مبادرت به تصویب قطعنامه ۷/۲۳ با عنوان حقوق بشر و تغییرات اقلیمی نمود، که در آن از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر درخواست شده است مطالعاتی پیرامون ارتباط بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر انجام دهد؛ با این حال، موانع شکلی و ماهوی پابرجاست (محمدی، ۱۹۳۴: ۵۰-۵۱).

نتیجه‌گیری

بحران تغییرات آب‌وهوای جهان، بیش‌تر افراد و حقوق بشر مربوط به آنها را تهدید می‌کند و عواقب نامطلوب این تغییرات را بدتر خواهد کرد. پرداختن به تغییرات آب‌وهوا، یکی از اولویت‌های سلامت و حقوق بشر است، و این اقدام را نمی‌توان به تأخیر انداخت.

تغییرات آب‌وهوایی و واکنش به این تغییرات، تأثیر زیادی بر اجرای حقوق بشر برای میلیون‌ها و شاید میلیارد‌ها نفر در سراسر جهان خواهد داشت. این امر از طریق اثر مستقیم بر انسان‌ها و زیستگاه‌ها^۲، و همچنین، از طریق تخریب اکوسیستم و منابع زیست-محیطی که زندگی بسیاری به آنها بستگی دارد، رخ می‌دهد. دولت‌ها متعهد به احترام، حفظ و تحقق حقوق بشر هستند. این تعهدات شامل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، محافظت از شهروندان در برابر تأثیرات سوء تغییرات آب‌وهوایی و اطمینان از این موضوع هستند که

۱. درخصوص ابعاد انسانی تغییرات اقلیمی کره زمین برای نخستین بار در یک اعلامیه و به صراحت عنوان کرد: «تغییرات آب‌وهوایی، پیامدهای واضح و فوری بر حقوق بشر دارند و از کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد درخواست کرد سریع‌تر به این قضیه رسیدگی کند. (Malé) (ویکی‌پدیا)

پاسخ به تغییرات آب‌وهوایی به نقض حقوق بشر منجر نخواهد شد؛ هرچند دولت‌ها گام‌های مهمی در این راستا برداشته‌اند؛ اما هنوز کارهای زیادی باید انجام شود (UNEP, 2015:55).

بر اساس ارزیابی مطالب ذکر شده، از مشارکت دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست،^۱ نتایج ذیل به دست می‌آید: اول، وجود یک تعهد عام میان دولت‌ها برای اطمینان از فعالیت‌ها و کنترل آنها که در حقوق بین‌الملل عرفی برای حفظ محیط زیست ملی و فراملی، پایه‌ریزی شده است. دوم، به نظر می‌رسد مسائل مربوط به محیط زیست نیز در سایر زمینه‌های حقوق بین‌الملل مد نظر قرار گرفته است. سوم این‌که، انتظار می‌رود موارد مهم؛ از جمله وظایف عرفی ارزیابی و نظارت تأثیرات زیست-محیطی پروژه‌های بزرگ، معیار حقوق محیط زیست به‌عنوان حقوق بشر، محدودیت حق توسعه اقتصادی و اساساً رابطه میان پیمان و حقوق عرفی در زمینه محیط زیست یا محتوای خاص و سلسله مراتب حقوق بین‌الملل عرفی محیط زیست، رسیدگی می‌شود. حوزه‌های حقوق بین‌الملل بسیار کمی وجود دارند که پیشرفت‌های سریع را به‌عنوان حقوق بین‌الملل محیط زیست تجربه کرده‌اند.

حقوق بین‌الملل می‌تواند تلاش برای مقابله با ادامه پیشرفت تغییرات آب‌وهوا و تخریب محیط زیست را توسعه بخشد؛ اما این مهم بدون مکانیسم اجرای توافقنامه‌های محیط زیستی الزام‌آور، امکان‌پذیر نیست (icecoalition, 2017). در این رابطه، پیش‌نویس پروتکلی مربوط به «قانون اساسی» برای تنظیم دیوان بین‌الملل محیط‌زیست^۲ در حال آماده شدن است.

1. international environmental law
2. International. Court for the Environment

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط/ ۱۶۳

یک دادگاه بین‌المللی محیط زیستی مزایای بالقوه بسیاری دارد؛ از جمله: ۱- دادگاه می‌تواند یک سیستم متمرکز حل و فصل اختلاف را در دسترس طیف بزرگی از فعالان؛ از جمله افراد، شرکت‌ها و جامعه مدنی قرار دهد؛ ۲- مجموعه‌ای از متخصصان می‌تواند به قضات و داوران کمک کنند؛ ۳- کوششی است برای تبیین تعهدات قانونی، یکنواخت کردن حقوق بین‌الملل محیط زیست و تکمیل روش‌های موجود، در نتیجه افزایش اطمینان قانونی و قابل پیش‌بینی بودن آن؛ ۴- می‌تواند به عملکرد پیشگیرانه تشویق و ترغیب نماید، و در جایی که لازم است، اقدامات پیشگیرانه برای کم کردن آسیب زیست-محیطی در حال انجام صورت دهد؛ ۵- این دادگاه می‌تواند به استاندارد سازی سازگار و مکانیسمی برای حل و فصل اختلافات معاهده‌ای محیط زیستی (تاکنون بیش از ۵۰۰ معاهده وجود دارد) همچون کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، پروتکل کیوتو و کنوانسیون تغییرات زیستی، در نتیجه کاهش هزینه‌های مالی و منابع انسانی در ارتباط با ازدیاد نهادهای معاهده تبدیل شود؛ ۶- این امر می‌تواند به جلب اعتماد میان دولت‌ها، افراد و جامعه تجاری از طریق ارائه راه‌حل‌های عملی برای موارد مربوط به محیط زیست کمک کند.

در عمل، دو راه برای تشکیل یک دادگاه جدید یا دادگاه عمومی وجود دارد: از طریق یک معاهده بین‌المللی؛ در داخل یا خارج از سیستم سازمان ملل متحد، یا از طریق قطعنامه سازمان ملل. برخی معتقدند جزئی^۱ از یک دیوان داوری (به جای دیوان داوری سازمان ملل) است که از نظر جغرافیایی سیار است. در این روش، سریع‌ترین، ارزان‌ترین و راحت‌ترین راه برای تنظیم آن به موجب موافقت‌نامه دو طرف اختلاف است که به دیوان داوری ارجاع می‌شود. مشابه این روش در قرارداد تنوع زیستی و موافقت‌نامه بنگلادش در مورد ایمنی آتش‌نشانی و ساختمان‌سازی که در آن شرکت‌ها با مسائل مربوط به حقوق بشر و محیط زیست موافقت کرده‌اند، دنبال شده است (climate2020,2016). بنابراین حقوق بشر،

1. body

«حق داشتن یک محیط زیست سالم» باید در قانون ثبت شود؛ همچنین، وجود یک دادگاه بین‌المللی جدید در زمینه محیط زیست برای اجرای آن، جهت کمک به جوامع فقیر برای تحقق «عدالت تغییر آب‌وهوا» در برابر فعالیت شرکت‌ها و کشورهایی که به وسیله آنها گرم شدن زمین سرعت بخشیده می‌شود (independent, 2014).

منابع

محمدی، مهرداد. (۱۳۹۴)، آینه حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

پورخاقان شاهرضایی، زینب. (زمستان، ۱۳۹۲). «بررسی تغییرات آب و هوایی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۶، ش ۲۱، ۱۲۷-۱۴۸.

Aminzadeh, S. C. (2006). A moral imperative: The human rights implications of climate change. *Hastings Int'l & Comp. L. Rev.*, 30, 231.

Aykut, S. C., & Dahan, A. (2015). *Gouverner le climat? 20 ans de négociations internationales*. Presses de Sciences Po.

Bennani, A., Buret, J., & Senhaji, F. (2001). Communication Nationale Initiale a la Convention Cadre des Nations Unies sur les changements climatiques. *Ministere de l'Aménagement du Territoire, de l'Urbanisme de l'Habitat et de l'Environnement*, 101.

Caney, S. (2008). Human rights, climate change, and discounting. *Environmental Politics*, 17(4), 536-555.

CIEL, "Climate Change & Human Rights: A Primer", 2015.

Dalmedico, A. D., & Guillemot, H. (2006). Changement climatique: dynamiques scientifiques, expertise, enjeux géopolitiques. *Sociologie du travail*, 48(3), 412-432.

IBA, "Achieving Justice and Human Rights in an Era of Climate Disruption", Chapter 2 – Current Legal Challenges in Climate Change Justice, July 2014.

Lehmen, Alessandra. "The Case for the Creation of an International Environmental Court: Non-State Actors and International Environmental Dispute Resolution", *Colorado Natural Resources, Energy, & Environmental Law Review*, Volume 26, Issue 2, 2015.

Levy, Barry S. et all, "Climate Change, Human Rights, and Social Justice", *Annals of Global Health*, VOL. 81, NO. 3, 2015 UNEP, "Climate Change, its Consequences on Employment and Trade Union Action", 2008.

Philippe Sands, "Litigation Environmental Disputes: Courts, Tribunals and the Progressive Development of International Environmental Law", OECD, March 2008.

Godard, O. (1997). Les enjeux des négociations sur le climat. *Futuribles*, (224), 33-66.

- Humphreys, S. (Ed.). (2010). *Human rights and climate change*. Cambridge University Press.
- Knox, J. H. (2009). Linking human rights and climate change at the United Nations. *Harv. Envtl. L. Rev.*, 33, 477.
- Maljean-Dubois, S. (2005). La mise en route du Protocole de Kyoto à la Convention-cadre des Nations Unies sur les changements climatiques. *Annuaire français de droit international*, 51(1), 433-463.
- Sachs, W. (2008). Climate change and human rights. *Development*, 51(3), 332-337.
- Sinden, A. (2007). Climate change and human rights. *J. Land Resources & Envtl. L.*, 27, 255.
- SDG2012, "Environmental Institutions for the 21st Century: An International Court for the Environment", ICE Coalition, February 2011
- UNEP, "Climate Change and Human Rights", 2015.
- Stuart Bruce. "An international court for the environment?", RESPONSIBILITY & ACCOUNTABILITY, 2016.
- UNEP, "Environmental Courts & Tribunals: A Guide for Policy Makers", 2016.
- UNEP, "Climate Change and Human Rights", 2015.
- UNEP, "Climate Change, its Consequences on Employment and Trade Union Action", 2008.
- climate-change, تاریخچه و ساختار کنوانسیون تغییر آب و هوا, climate-change.ir/۴۰۷_متن-کنوانسیون.html, ۹۶داده.مرداد.
- environmentlaw, European Programme on Climate Change <http://www.environmentlaw.org.uk/rte.asp?id=197>, Aug 2017
- unep, <http://www.unep.org/documents.multilingual/default.asp?documentid=78&articleid=1163>, Jul 2017.
- Icecoalition, ICE Coalition Creating the International Court for the Environment, <http://www.icecoalition.org/>, Aug 2017.
- climate2020, An international court for the environment? <http://www.climate2020.org.uk/international-court-environment/>, Aug 2017.
- independent, World needs an 'International Court on the Environment', International Bar Association says, <http://www.independent.co.uk/environment/world-needs-an-international-court-on-the-environment-international-bar-association-says-9749083>, Aug 2017.

تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تأسیس دیوان بین‌المللی محیط / ۱۶۷

